

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۹

چکیده

زمینه و هدف: نیاز به امنیت از عمیق‌ترین و حیاتی‌ترین و نیازهای انسان‌هاست و در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشر بی‌نیاز از آن نبوده و نخواهد بود و به خاطر اهمیت این موضوع است که این مسئله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته و در آن بیش از ۳۰ مورد صریحاً به بیان موضوع امنیت اجتماعی پرداخته است.

روش: مطالعه حاضر به بررسی عوامل جامعه‌شناختی احساس امنیت اجتماعی در بین زنان سرپرست خانوار شهر بوشهر هست. روش مطالعاتی آن از نوع توصیفی-پیمایشی است. جامعه مورد مطالعه آن شامل کلیه زنان سرپرست خانوار شهر بوشهر که جهت تعیین نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. حجم نمونه آماری مورد مطالعه؛ ۲۱۰ نفر بوده‌اند. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** نتایج به‌دست‌آمده در این مطالعه حاکی از این مطلب است که بین متغیرهای (تعلق خاطر نسبت به خانواده، دوستان و دیگر نهادهای اجتماعی، درگیری و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و میزان تعهد اجتماعی) با احساس امنیت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین متغیرهای (سن و تحصیلات) رابطه مستقیم و معناداری با احساس امنیت اجتماعی ندارد.

واژگان کلیدی: احساس امنیت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعهد اجتماعی، زنان سرپرست خانوار

۱- دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشکاه آزاد بوشهر، پست الکترونیک: pasalar@gmail.com

۲- دانشجو دکتری و دانشجو اجتماع و مدرس دانشکاه

۳- دکتری جامعه‌شناسی و دانشجو عمومی

مقدمه

از مفاهیم بااهمیت، پیچیده و جدید در دنیای امروز و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و پایه‌ای، اقتصادی موضوع و مفهوم امنیت است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶؛ ۱۲). امنیت از نیازها و ضرورت‌های فرد و جامعه تلقی می‌شود که فقدان و یا اختلال در آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی به دنبال دارد (ترابی و گودرزی، ۱۳۸۳؛ ۳۲). به طوری که انسان مدنی برای زندگی در جمع و دستیابی به مراتب بالای رشد، نیازمند امنیت و آرامش خاطر است که با رشد و نمو جرائم و انحرافات اجتماعی، زمینه‌های ناامنی و شکل‌گیری کج‌روی در سطح جامعه بیشترین دلهره را ایجاد می‌کند. با توجه به اینکه جوامع امروزی مخصوصاً کلان‌شهرها به سطوح بسیار بالایی از پیچیدگی رسیده‌اند و همچنین درجه بالایی از تغییرات کوتاه‌مدت و بلندمدت را تجربه می‌کنند. افزایش مسافرت‌ها و مهاجرت‌ها، افزایش مداوم قیمت یا اجاره مسکن و عوامل اجتماعی دیگر باعث شلوغی محله‌ها و جابه‌جایی‌های مداوم بسیاری از افراد و خانواده‌ها شده که به نوبه خود موجب عدم امکان به دست آوردن شناخت از همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها شده است. از طرف دیگر افزایش انواع جرم‌ها و بزهکاری‌ها از جمله: سرقت، کیف‌چاپی، قتل و ... از حالت یک پدیده اجتماعی ساده خارج شده و به شکل یک مشکل و معضل اجتماعی درآمده است که نه تنها سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد بلکه هزینه‌های مالی و روحی زیادی را به شهروندان تحمیل می‌کند و احساس عدم امنیت و ترس از جرم را به یکی از مشکلات اصلی افراد تبدیل کرده است. از طرف دیگر، افزایش سریع و گسترده وسایل ارتباط جمعی و دسترسی نسبتاً آسان اکثر افراد جامعه به آن‌ها و در نتیجه اطلاع‌یابی از مسائل مربوط به وقوع جرم و بزهکاری‌ها باعث شده که احساس امنیت افراد در شهرها به شدت کاهش یابد. امنیت اجتماعی به عنوان بخشی از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داخل هر واحد سیاسی از اهمیت به سزایی برخوردار است. بی‌تردید زمانی که روح و جسم مردمان در آسودگی و آرامش باشد تمام قوای ذهنی و جسمی آن‌ها معطوف به خودشکوفایی مادی و معنوی می‌گردد. به همین منظور است که امام علی (ع) می‌فرماید: نعمتی بالاتر از امنیت نیست. احساس امنیت برآمده از تعادل میان مجموعه متغیرهایی است که جامعه را در فضای اجتماعی مساعدی قرار می‌دهد. در یک جامعه مبتنی بر نظام اجتماعی سازمان‌یافته، امنیت تحقق می‌یابد. به طوری که جامعه بدون نظم اجتماعی، فاقد امنیت خواهد بود و فقدان امنیت هم حاکی از عدم وجود نظام اجتماعی مقتدر و مسلط بر اوضاع جامعه است. از این رو باید گفت که اگر امنیت در جامعه نباشد، بدون تردید از سان‌ها نمی‌توانند نمودار آینده خود را بر اساس گذشته خویشتن ترسیم کنند و بالطبع رشد و توسعه هم امکان‌پذیر نمی‌گردد. پیش شرط رشد جوامع و خود شکوفایی آن‌ها بر سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی بوده و این دو نیازمند امنیت، احساس امنیت و ایمنی است؛ از طرفی فقدان یا اختلال در امنیت پیامد و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی برای افراد و دولت‌ها به دنبال دارد. در همین رابطه، دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، سالانه بودجه‌های هنگفتی را هزینه می‌کنند. در ایجاد امنیت و احساس امنیت، عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آن‌ها برقراری احساس امنیت را کند می‌کند یا مانع از تحقق آن می‌شود، بر همین اساس شناسایی عوامل و عناصر تأمین امنیت اجتماعی و احساس امنیت از پیش شرط‌های اساسی در جهت برنامه‌ریزی برای ارتقای سطح امنیت اجتماعی به شمار می‌رود (نوروزی و فولادی، ۱۳۸۸؛ ۱۳۰).

بنابراین تأمین امنیت تنها با شناسایی رفتارهایی صورت می‌پذیرد که به افزایش یا کاهش امنیت در سطح جامعه منجر می‌گردد. برخی از این رفتارها موجب ایجاد هراس و ناامنی در سطح جامعه می‌شوند. در میان تغییرات ایجاد شده در جوامع در دهه‌های اخیر باعث تغییر ساختار خانواده، پذیرش مسئولیت بیشتر و استرس بیشتر برای اداره زندگی توسط برخی زنان شده است که سرپرستی خانوار را بر عهده دارند. با عنایت به اینکه در کشور ما تأمین معیشت خانواده بر عهده مرد هست، زنان در موارد خاصی مانند فوت یا شهادت سرپرست، از کارافتادگی، غیبت موقت یا دائم وی از قبیل حبس یا متواری بودن، وقوع طلاق و حتی اعتیاد و بیکاری مرد، مسئولیت سنگین اداره امور خانواده را بر عهده می‌گیرند و از سوی دیگر جامعه ما به دلیل

تغییرات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در معرض حوادثی چون جنگ و بلایای طبیعی بوده و همچنین آمار رو به تزاید طلاق مواجه بوده که طبیعتاً تعداد زیادی افراد بی سرپرست بر جای می‌گذارد (تقی زاده و آرتیدار، ۱۳۸۶؛ ۵۴) و سرپرستی خانواده بر عهده زنان این خانواده‌ها گذاشته می‌شود. انتقال ناگهانی سرپرستی از شوهر به زن، باعث به وجود آمدن رشته‌ای از ناامنی‌ها و وظایف مضاعف شامل از دست دادن درآمد، تربیت فرزندان و ایفای نقش دوگانه (پدر و مادر) برای زنان می‌شود. در نتیجه اثر معکوس بر سلامت جسم، روان و رضایت از زندگی زنان گذاشته و مسائل روان‌شناختی تازه‌ای به بار می‌آورد (هریست، ۲۰۱۰؛ ۶۵). گروه عمده‌ای از این زنان با فقر، ناتوانی و بی‌قدرتی در زمینه‌ی اداره امور اقتصادی خانواده مواجه هستند به طوری که کارآمدی و سلامت روان آن‌ها را مختل کرده و زمینه ابتلا به افسردگی و سایر اختلالات را فراهم می‌سازد (مایر و سولویا، ۲۰۱۰؛ ۳۱). لذا، این زنان نیازمند سازگاری مجدد هستند. با توجه به چالش‌های زیاد، لزوم توانمندسازی روانی آنان و تقویت احساس امنیت در کنار سایر جنبه‌های توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی افراد حائز اهمیت است. ارتقای سلامت روان مستلزم آموزش روش دستیابی به سبک زندگی سالم، رفتارهای مقابله‌ای سازگارانه و نیز کمک به افراد در معرض خطر برای پرهیز از رفتارهای پرخطر است (جین-لیوپس، اندروین، ۲۰۰۶؛ ۵۴). از سویی توانایی سازگاری افراد در رویارویی با تنیدگی، مشکلات زندگی شخصی و معضلات اجتماعی برابر نیست (انگرمایر، کلیان، ویلیام، ویتماند، ۲۰۰۶). در محیط اجتماعی مشابه، برخی اشخاص توانایی مقابله با مشکلات و موقعیت‌های چالش‌برانگیز را خیلی سریع از دست می‌دهند و دچار افسردگی، اضطراب، رفتارهای ضداجتماعی می‌شوند، درحالی‌که عده‌ای دیگر به راحتی قادرند از پس این موقعیت‌ها برآیند و بدون عارضه خاصی مشکل را برطرف کرده یا آن را پشت سر بگذارند (اینگرام، میراندا، سگال، ۱۹۹۸؛ ۶۵).^۸

هراندازه چنین ظرفیتی بالاتر یا بیشتر باشد به همان اندازه شخص قادر خواهد بود سلامت روانی و اجتماعی خود را در سطح بهتری نگه دارد و به شیوه مثبت، سازگارانه و کارآمد به حل و فصل مشکلات خویش بپردازد. نکته قابل توجه این است که زنان سرپرست خانوار در طی مسیر مواجهه با چالش‌های زندگی نیازمند دلگرم‌سازی هم از سوی خویش و هم از سوی دیگران هستند و چنانچه از آن برخوردار نباشند با نوعی احساس کهنتری و بی‌کفایتی مواجه می‌شوند. در این راستا، هدف مطالعه حاضر بررسی عوامل جامعه‌شناختی احساس امنیت اجتماعی در بین زنان سرپرست خانوار شهر بوشهر است. این‌که چگونه می‌توان احساس امنیت را در جامعه ارتقاء بخشید. لذا می‌توان با شناخت اسباب و علل احساس امنیت و دست‌کاری عوامل کاهنده و فزاینده آن به سطح قابل‌اطمینانی از احساس امنیت در جامعه دست یافت.

مبانی نظری

مفهوم امنیت را می‌توان دارای قدمتی طولانی‌تر از مفهوم «اجتماع» و «جامعه» دانست. امروزه بیش از همیشه ضرورت طراحی یک جامعه امن بر پایه‌های روابط و مناسبات سازگار با مفاهیم اساسی نظیر ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها، واقعیت‌ها، منافع و مصالح، درون و برون، خودی و دیگری و... ما را به یادگیری می‌خواند و این مهم جز در سایه باور به این اصل که امنیت رفیع‌ترین ارزش یک جامعه است ممکن نیست (تاجیک، ۱۳۷۷؛ ۴۶).

امنیت واژه‌ای پیچیده و به لحاظ کاربرد از گستردگی وسیعی برخوردار است. از درونی‌ترین افکار و احساسات بشری گرفته تا مهم‌ترین مسائل بین دولت‌ها دربرگیرنده مفهوم امنیت است. فرهنگ لغت آکسفورد واژه امنیت را چنین تعریف می‌کند:

⁴ - Herbst

⁵ - Meyer, Sullivan

⁶ - Jane-Llopis, Anderson

⁷ - Angermeyer, Kilian, Wilms, Wittmund

⁸ - Ingram, Miranda, Sega

⁹ - Security

«رهایی از نگرانی‌ها و ایمنی در مقابل خطرات و همچنین معیارهایی قراردادی برای تضمین ایمنی یک کشور، شخص یا چیزی که از ارزشی برخوردار است». همچنین فرهنگ معین امنیت را «ایمن شدن، بی‌بیمی و در امان بودن» تعریف کرده است. از آن هنگام که انسان برای بقا و تأمین معاش خود با وسایل ابتدایی و دست‌ساز به مقابله با عوامل طبیعی پرداخت تاکنون که به دنبال عصر صنعتی شدن، سرعت و فناوری‌های برتری بر هموعان و جهان پیرامون خود را از طریق وسایل پیشرفته نظامی و اتمی در سر می‌پروراند، امنیت چه در بعد روانی آن و چه در بعد فیزیکی همواره یکی از دغدغه‌های همیشگی او بوده است. حوادث پس از جنگ سرد، فروپاشی کمونیسم و جنگ جهانی دوم و غالب شدن ادبیات و رویکرد آمریکایی در حوزه علوم سیاسی و راهبرد جهان، مفهوم امنیت ملی را در ادبیات سیاسی اکثر کشورهای جهان وارد کرد. متناسباً با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی در عصر مدرنیته و خارج شدن این روابط از حالت‌های ساده اولیه که جنبه فیزیکی و محسوس داشت؛ عوامل پنهان و غیر فیزیکی امنیت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی روزبه‌روز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به همین دلیل مقوله امنیت اجتماعی که مهم‌ترین مؤلفه تشکیل‌دهنده امنیت ملی است در سال‌های اخیر در سطح ملی و بین‌المللی مورد توجه جدی قرار گرفته است. نکته مهمی که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که روزبه‌روز از اهمیت وجوه سخت‌افزاری امنیت کاسته می‌شود و بر وجوه نرم‌افزاری آن افزوده می‌شود. به این مفهوم که اگر در گذشته عوامل اجرایی و فیزیکی امنیت مانند پلیس، قاضی، اسلحه، حفاظت فیزیکی و... بیشترین اهمیت را در تأمین امنیت داشتند. امروزه علاوه بر تمام این عوامل وجوه نرم‌افزاری از قبیل مشروعیت نظام سیاسی، یکپارچگی اجتماعی، توان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مدیریت قوی اقتصادی و توسعه، امور فرهنگی و اطلاعاتی و... حرف اول را در مباحث امنیتی می‌زنند. امروزه سیاستمداران و نظریه‌پردازان دریافته‌اند که تضمین امنیت ملی یک کشور که عمدتاً ناظر بر امنیت سیستم حکومتی و کارکرد درست نهادهای «دفاعی-امنیتی» در کشور است؛ در گرو فراهم آوردن امنیت اجتماعی است که عمدتاً ناظر بر امنیت مردم است و به هر میزان که این مؤلفه در میان سایر مؤلفه‌ها نقش بیشتری داشته باشد، امنیت ملی پایدارتر، کم‌هزینه‌تر و بالنده‌تر خواهد بود. گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی کشور بوده به طوری که عدم کنترل آن از سوی نهادهای مسئول بر وضعیت امنیت اجتماعی و اخلاقی کشور تأثیر مستقیم دارد، برخورد با این معضل یکی از دغدغه‌های مسئولان دولتی، امنیتی و انتظامی بوده است. در کشور ما ایران در سال‌های اخیر به دلیل مسائل و پدیده‌های مختلف همچون سیر تحولات جمعیتی، مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها، افزایش حاشیه‌نشینی، فراوانی مشکلات اقتصادی و اجتماعی، عدم وجود برنامه‌ریزی صحیح و مدون از جانب برنامه‌ریزان اجتماعی، عدم مشارکت و هماهنگی سازمان‌های مسئول در کنترل این پدیده شاهد گسترش روزافزون آسیب‌های اجتماعی هستیم، از طرف دیگر آمار کشفیات محصولات ضد اخلاقی و روند رو به افزایش آن زنگ خطری است در رابطه با گسترش آلودگی محیط به معضلات اجتماعی است. نیاز به امنیت از عمیق‌ترین و حیاتی‌ترین و نیازهای انسان‌هاست و در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشر بی‌نیاز از آن نبوده و نخواهد بود و به خاطر اهمیت این موضوع است که این مسئله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته و در آن بیش از ۳۰ مورد صریحاً به بیان موضوع امنیت اجتماعی پرداخته است (عباسی، ۱۳۸۱؛ ۲۷۹).

امنیت اجتماعی^{۱۱}

¹ -National Security

¹ -Societal Security

مفهوم امنیت اجتماعی برای اولین بار و به مفهوم فنی کلمه در سال ۱۹۹۳، توسط اندیشمندی چون باری بوزان^۱، ال ویور و لمیتر تحت عنوان مکتب کپنهاگ مطرح گردید. انگیزه طرح این عبارت امواج تهدیدآمیزی بود که «هویت گروه‌ها» را در معرض خطر قرار داده بودند. بدین معنا که از یک سو با رشد فناوری‌های نوین و مجتمع‌های صنعتی، هویت بعضی گروه‌ها در هویت‌های مسلط هضم می‌شد (مانند غیراقتصادی و در نتیجه نابود شدن آموزش فرهنگ و زبان اوکراینی در روسیه یا پرهزینه بودن آموزش و پژوهش به زبان کردی در ترکیه) و از سوی دیگر با گسترش مهاجرت از کشورهای فقیر و جهان سوم به کشورهای صنعتی و پیشرفته، نوعی آشفتگی و آنومی در تمایزهای هویتی پدیدار می‌گردید (مانند اقامت و اشتغال سیاه‌پوستان آفریقایی‌تبار در فرانسه یا قاجاق کارگران به کشورهای اسکانداوی). بوزان و ویور و بعضی دیگر از محققان اروپایی در سال ۱۹۹۳ با تعریف امنیت اجتماعی به‌عنوان «دستور کاری جدید برای امنیت در اروپا» پی‌شگامان مبحثی در مطالعات راهبردی شدند که امروزه به موضوعی جذاب و مناقشه‌انگیز مبدل شده است (عبدی، ۱۳۸۴: ۹۱). گفتنی است طرح مفهوم Societal به‌عنوان مبحثی امنیتی حاکی از وزن بالا و اهمیت بالای آن مفهوم است. امنیتی دیدن^۱ یک مفهوم یا وضعیت از اعتبار بسیار زیاد یک مفهوم یا وضعیت حکایت می‌کند. معمولاً موضوع عادی هنگامی امنیتی دیده می‌شود که یک یا چند مؤلفه از ارزش‌های اساسی در معرض تهدید یا آسیب‌پذیری قرار گرفته باشد. از این رو به خاطر اینکه موضوع امنیت اجتماعی، ارزش‌های اساسی (که عبارت‌اند از انسجام اجتماعی، تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی) را مورد مخاطره قرار می‌دهد و با آن ارزش‌ها سروکار می‌یابد، از اهمیتی فراگیر و مداوم برخوردار است (همتیان، ۱۳۹۲: ۱۱). امنیت اجتماعی شخص به معنی حفظ جان، مال، آبرو و موقعیت‌های اجتماعی شخص از جانب عوامل اجتماعی است. یعنی از جانب افراد دیگر، سایر گروه‌ها و حکومت و قانون، جان و مال و آبرو موقعیت اجتماعی فرد مورد تهدید قرار نگیرد. به این ترتیب امنیت اجتماعی عبارت است از حالت فراغت همگانی از تهدیدی که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاهی، یا فردی، یا گروهی در تمام یا بخشی از جامعه پدید می‌آورد. علاوه بر این در اندیشه‌ی اسلامی، رعایت تقوا و معیارهای الهی و سپس انسانی، اصلی‌ترین شرط تحقق امنیت اجتماعی و رعایت حقوق انسان‌ها و مقابله با متعدیان به حقوق عمومی و امنیت جمعی، به شمار می‌رود (قربانی، ۱۳۷۹: ۲۹).

نظریه‌های امنیت اجتماعی

نظریه‌های نظم اجتماعی^{۱۹}

نظم اجتماعی از مفاهیم بنیانی جامعه‌شناسی است و اصولاً جامعه بدون نظم غیرقابل تصور است. در زمینه ثبات و نظم اجتماعی و در مقابل آن تغییر اجتماعی و بی‌نظمی، دیدگاه‌های محققان و جامعه‌شناسان متفاوت است. به‌عنوان مثال، اساس مطالعات آگوست کنت «اولین جامعه‌شناس نام‌آور عصر جدید» درباره نظم اجتماعی و علل فروپاشی نظم کهن و استقرار نظم نو است. وی مطالعات بسیاری در زمینه ایستایی و پویایی انجام داده است، به طوری که پویایی و ایستایی دو مقوله اصلی جامعه‌شناسی کنت محسوب می‌شود. کنت جامعه‌شناسی را به دو بخش عمده تقسیم می‌کند: استاتیک (ایستا) و دینامیک (پویا). موضوع مورد مطالعه جامعه‌شناسی استاتیک، نظم ساختاری حاکم بر جامعه است. در بحث ایستایی که کنت آن را اجماع اجتماعی می‌نامد، جامعه همچون یک ارگانیسم زنده در نظر گرفته می‌شود که در آن بررسی کارکرد یک اندام بدون

1 -Barry Buzan	2
1 -OleWaever	3
1 - Lemaïter	4
1 -Security	5
1 -Securitization	6
1 -Situation	7
1 - Vital Values	8
1 -Social order	9
2 -Conte. A.	0

قرار گرفته آن در کل زنده‌ای که خود جز و آن است، امکان‌پذیر نیست؛ برعکس، موضوع جامعه‌شناسی دینامیک، پیشرفت و توسعه است. در واقع پویایی اجتماعی نشیب و فرازهایی را که این نظم بنیادی پیش از رسیدن به مرحله نهایی پوزیتیویسم در مسیر خود پیموده است، برای ما ترسیم می‌کند. پویایی تابع ایستایی است و بر اساس نظم هر جامعه انسانی است که چگونگی تاریخ فهمیده می‌شود (آرون، ۱۳۸۲: ۱۱۵-۱۱۶).

کنت، توافق ذهن‌ها بر اصول اخلاقی را علت نظم اجتماعی می‌داند و ناهماهنگی عمیق فکری و به عبارت دیگر هرج و مرج فکری را اساس بی‌نظمی اجتماعی به حساب می‌آورد. امیل دورکیم نیز مانند کنت از نابسامانی اجتماعی بیزار و هراسان بود و معتقد بود که می‌توان نابسامانی‌های اجتماعی را با اصلاحات اجتماعی کاهش داد. در واقع دورکیم به دنبال آن بود که علت این نابسامانی‌های اجتماعی را شناسایی کند و برای خروج از آن‌ها راه‌حلی بیابد. همچنین دورکیم همبستگی اجتماعی را عامل حفظ و بقای جامعه می‌داند که نظم اجتماعی را به همراه دارد که خود معلول اشتراک اخلاقی و اخلاقیات مشترک است. پس از نظر دورکیم مبنای نظم جامعه (امنیت اجتماعی) عامل اخلاقی است نه سیاسی یا اقتصادی. بر این اساس دورکیم معتقد است در جوامع سازمان‌یافته‌ای که مبتنی بر اصول و قواعد اخلاقی باشند، نظم اجتماعی نیز حاکم خواهد بود، به همین جهت در جوامع ابتدایی که دارای همبستگی مکانیکی هستند و اخلاقیات مشترک وجود دارد، نظم اجتماعی نیز به شدت حاکم است و با هرگونه تخلفی به شدت برخورد می‌شود؛ اما با پیچیده‌تر شدن جوامع، وجدان جمعی کاهش یافته، نظام مشترک اخلاقی از بین می‌رود و در نتیجه هرج و مرج و نابسامانی حاکم می‌شود. دورکیم بسیاری از مشکلات زمان خود را ناشی از کاهش قدرت این نظام مشترک؛ اخلاقی می‌داند (کوزر، ۱۳۸۳: ۱۹۰؛ ورسلی، ۱۳۷۵: ۵۴). دورکیم معتقد است در جامعه‌ای که فرهنگ مشترک و قوی در مورد اعتقاد عمومی وجود دارد، همبستگی اجتماعی استحکام و نظم اجتماعی، عینیت بیشتری خواهد یافت و این مهم‌ترین عاملی می‌شود تا نظام اخلاقی و نظام باورها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را به مردم یک جامعه هدیه کند که در پرتوی آن نظم اجتماعی برقرار بماند و جرم، ناپهنجاری و خودکشی کاهش یابد و هرج و مرج رخت برنندد و به تبع آن امنیت و ثبات اجتماعی برقرار گردد (صدیقی اوری، ۱۳۷۶: ۱۴۹). دورکیم در بین جامعه‌شناسان کلاسیک پدر جامعه‌شناسی نظم به شمار می‌رود، اما پارسونز^۲ از پیشگامان معاصر جامعه‌شناسی نظم محسوب می‌شود. اگرچه مسئله اساسی در نظریه تحلیلی کنش پارسونز همان نظم اجتماعی است، اما وی معتقد بود که منافع فردی و کنش عقلانی و سودجویانه به تنهایی برای برقراری نظم کافی نیست، در نتیجه او مفهوم هنجار را وارد کنش اجتماعی خویش کرد و کنش اجتماعی خویش را با توجه به هنجارهای اجتماعی تعریف می‌کند. پارسونز پدیده بنیادی در نظریه کنش را واحد کنش می‌نامد که بر حسب چهار عنصر سازنده مشخص می‌شود: وجود کنشگر؛ وجود هدف یا وضعیتی که کنشگر نسبت به آن جهت‌گیری می‌کند؛ موقعیتی که کنش در آن انجام می‌شود (از جمله شامل شرایط، منابع، وسایل)؛ وجود هنجارها و ارزش‌ها که در جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به هدف‌ها نقش بازی می‌کنند (ریترز، ۱۳۸۳: ۶۵).

به این ترتیب در نظریه دستگاهی پارسونز، هنجارهای اجتماعی به عنوان یک سیستم در نظر گرفته می‌شوند و کارکرد نظام اجتماعی نیز ایجاد و حفظ یکپارچگی کل نظام است. همچنین در این فرآیند، فراگردهای ملکه ذهن ساختن و اجتماعی کردن نیز اهمیت اساسی دارند و به این ترتیب پارسونز بیش از آنکه به شیوه‌های انتقال هنجارها و ارزش‌های یک نظام توجه کند، به کنشگران درون نظام علاقه‌مند است که در فرآیند اجتماعی شدن موفق، در واقع این هنجارها و ارزش‌ها ملکه ذهن افراد می‌شوند و به عنوان بخشی از وجود کنشگران یا وجدان آن‌ها درمی‌آیند و به این ترتیب کنشگران ضمن دنبال کردن

² - Durkheim.E
² - Social Solidarity

1
2

منافعشان در واقع به مصالح کل نظام خدمت می‌کنند همچنین پارسونز در این فراگرد چهار خرده نظام را برای هر نظام اجتماعی در هر سطحی مطرح می‌کند که برای همه نظام‌ها ضروری است و هر یک کارکردی را بر عهده‌دارند و کارکرد آن‌ها در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام است و در نهایت همه به دنبال حفظ مجموعه کل هستند و می‌خواهند نظم و ثبات را در جامعه به وجود آورند. این چهار خرده نظام عبارت‌اند از: تطبیق و سازگاری با محیط از طریق ارگانیزم رفتاری؛ دستیابی به هدف از طریق نظام شخصیتی، حفظ انسجام و یکپارچگی از طریق نظام اجتماعی؛ و حفظ الگو و انگاره‌های فرهنگی از طریق نظام فرهنگی. به این ترتیب انتقال هنجارها ارزش‌ها از طریق نظام فرهنگی صورت می‌گیرد (ریترز، ۱۳۸۳: ۱۳۷). مفهوم آنومی (ناسامانی اجتماعی) در مقابل مفهوم نظم اجتماعی قرار دارد که مرتن آن را در سطح خرد مطرح می‌کند. مرتن به برقراری ارتباط بین عنصر فرهنگی و عنصر اجتماعی اهمیت زیادی می‌دهد. به عقیده وی، نقش و کارکرد اساسی عنصر فرهنگی تعیین و معرفی اهداف و ارزش‌ها در زندگی اجتماعی است و عنصر اجتماعی نیز تعیین‌کننده وسایل نهادی شده نیل به اهداف است. مرتن معتقد است اگر در جامعه‌ای کارکرد این دو عنصر اساسی باهم هماهنگ باشد (یعنی بین اهداف و وسایل نیل به هدف هماهنگی باشد)، در آن جامعه نظم وجود دارد، اما اگر این هماهنگی نباشد، یعنی بین فرهنگ و اجتماع از لحاظ کارکردی ناهماهنگی پیش بیاید، آنگاه شاهد رواج انحراف خواهیم بود. مرتن معتقد است که مسئله اجتماعی، ناشی از اختلاف اساسی میان معیارهای اجتماعی و واقعیت اجتماعی است. به عبارت دیگر اختلاف کلی میان آنچه هست و آنچه مردم طبق هنجارها و ارزش‌هایشان می‌پندارند که باید باشد. ناسازگاری میان اهداف و وسایل از طریق ایجاد بی‌هنجاری (آنومی) منجر به بروز اختلال در نظم اجتماعی می‌شود و عدم امنیت و بی‌هنجاری فرهنگی بر جامعه سایه می‌افکند. بنابراین مرتن فقدان امنیت در یک جامعه را مساوی بابتی نظمی اجتماعی و بروز رفتارهای انحرافی قلمداد می‌کند و این حالت را ناشی از شکاف بین اهداف و هنجارهای فرهنگی و ظرفیت‌های ساختار اجتماعی برای نیل به موفقیت می‌داند. در مجموع وجود بی‌قانونی، بی‌اهمیت شدن مقررات، عدم یکپارچگی، رهایی کامل فرد و بالاخره انحرافات و کج‌روی‌های اجتماعی همگی نشانه‌های چنین حالتی در جامعه هستند (بودون، ۱۳۸۵: ۶۶)

نظریه‌های کنترل اجتماعی^{۲۵}

از مهم‌ترین صاحب‌نظران مکتب کنترل اجتماعی، تراویس هیرشی است. وی معتقد است کج‌روی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است و اجزای تعلق و وابستگی به جامعه عبارت‌اند از: ارتباط با سایر افراد، پذیرش و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی که ارزش و نتایجی برای آینده دارد، اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای فرهنگی و امثال آن. وی می‌گوید: کیفیت هر کدام از موارد سه‌گانه فوق در هر مورد خاص می‌تواند موجب هم‌نوایی و نیز علت نا هم‌نوایی و هنجارشکنی باشد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۸۹). به اعتقاد هیرشی بزهکاری زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود (مشکاتی و مشکاتی، ۱۳۸۱: ۱۲). همچنین هیرشی معتقد است انسان‌ها به وسیله چهار عنصر زیر به هم پیوند می‌خورند: علاقه‌ی وابستگی، پایبندی یا تعهد، درگیری و باورهای فرد به قواعد اخلاقی و اجتماعی (ستوده، ۱۳۸۲: ۱۳۸). نظریه پردازان کنترل اجتماعی معتقدند برای این که بتوان نظم اجتماعی را برقرار نگاه داشت، باید رفتارهای اجتماعی الگو شده‌ای را از طریق فراگرد اجتماعی شدن و به کمک نظارت اجتماعی به اعضای جامعه تلقین یا تحمیل کرد. بر طبق این نظریه، کنترل و نظارت اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل

^{۲۴} - Morton.R.K

^{۲۵} - Social Control

^{۲۶} - Hirschi.T

مهم اجتماعی شدن و هم‌نوایی با جامعه با شد. هرگاه فردی نتواند رفتار پذیرفتنی و شایسته یک موقعیت را از خود نشان دهد، ما او را شخص منحرف می‌شناسیم. اگر این‌گونه انحرافات خارج از نظارت معیارهای اجتماعی ادامه یابد، جامعه با تهدید از هم‌گسیختگی روبه‌رو می‌شود. با کاربرد ابزارهای کنترل و نظارت اجتماعی، جامعه می‌تواند بزهکاران را زندانی کند. گذشته از این نظارت رسمی، نظارت‌های غیررسمی دیگری چون طرد گروه نیز می‌تواند به‌عنوان روش‌های مؤثر نظارت اجتماعی به کار آیند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۹۰). علاوه بر صاحب‌نظران کنترل اجتماعی، برخی دیگر از جامعه‌شناسان نیز به اهمیت نقش و کارکرد دولت در برقراری نظم و امنیت در جامعه اشاره کرده‌اند. به‌عنوان مثال، باری بوزان^۷ در کتاب خود تحت عنوان «مردم، دولت‌ها و هراس» مطرح می‌کند: «از آنجایی که جامعه از افراد مختلفی که دارای منافع و مناسبات متفاوتی می‌باشند، تشکیل شده است، پس این افراد در جامعه خود به‌عنوان منبع ناامنی تلقی می‌شوند، به‌طوری که هر کس به دنبال تأمین منافع خود است، اما به تدریج افراد در اثر آگاهی و پی بردن به تهدیدات و منابع ناامنی خود و برای حفظ خویش و دارایی‌شان، آماده واگذاری آزادی خود به مرجع مستقلی به نام دولت می‌گردند. به تدریج این وضعیت به صورت سازوکاری درمی‌آید که از طریق آن مردم در صدد دستیابی به سطوح کافی از امنیت در مقابل تهدیدات جامعه می‌باشند. بر اساس این دیدگاه هر چه یک جامعه دارای دولت و ساختار سیاسی قوی و قدرتمندتری باشد، امنیت افراد بهتر و با هزینه کمتری تأمین می‌گردد، اما در کشورهایی که ساختار حکومت به‌خوبی نهادینه نشده و ضعیف باشد، افراد برای تأمین امنیت خود به سازوکارها و ابزارهای اجتماعی متوسل می‌شوند. خانواده، ایل، سازمان‌های مذهبی و محلی در این‌گونه جوامع نقش مرکزی پاسخگویی به نیازهای امنیتی فردی را بازی می‌کنند (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۶). توماس هابز^۲ نیز در فلسفه سیاسی خود، تعریفی از انسان می‌کند که آن را مبنای قرارداد و نظم اجتماعی قرار می‌دهد. به نظر او انسان موجودی خودخواه است و صرفاً به ارضای امیال فردی علاقه‌مند است. انسان‌ها ذاتاً شرورند و انسان‌گرگ انسان‌هاست. در شرایطی ا حالت طبیعی، انسان‌ها در جنگی دائم و مرگبار علیه یکدیگر هستند. خشونت اصل و اساس این حالت است و نتیجه آن وحشت و هراس دائم همه علیه همه است. از نظر هابز، در این حالت، روابط انسانی اساساً به‌گونه‌ای مبتنی بر رقابت است. زیرا در صورتی هر فردی می‌تواند آنچه را نیاز دارد، داشته باشد که دیگری دست از آن بردارد. هر فرد ناگزیر است که به هم‌نوعان خود به دیده موانعی بنگرد که در میان او و نیازمندی‌هایش حائل شده‌اند. زور و فریب مؤثرترین ابزارهای هستند که او در مواجهه با هم‌نوعانش به کار خواهد برد، زیرا با به کار بستن آن‌ها ست که او می‌تواند رقیبانش را مغلوب کند و آن‌ها را به خدمت اهداف خویش درآورد؛ اما از طرفی، ارضای امیال فردی نمی‌تواند با وجود این هرج‌ومرج در جامعه امکان‌پذیر باشد و راه‌حل نهایی آن است که انسان‌ها با یکدیگر هم‌آوازه شده و یک قرارداد اجتماعی به وجود آورند. یعنی تنها فرایندی که می‌تواند تهدید این خشونت را از میان بردارد، انتقال داوطلبانه آن به یک‌نهاد است. انسان‌ها باید حق اعمال خشونت را از خود سلب کرده و آن را برای همیشه به یک دولت مرکزیت یافته منتقل نمایند تا این دولت بر مردم حکومت کند و انسان‌ها را کنترل کند تا نظم اجتماعی برقرار شود. پس قرارداد اجتماعی اساس نظم اجتماعی در جامعه است (ورسلی، ۱۳۷۸: ۸؛ شرفی، ۱۳۸۴: ۱۷۶). به این ترتیب، افراد حاضرند بخشی از آزادی خود را برای دستیابی به سطوح بهتری از امنیت فدا کنند و در این روند است که حکومت و دولت شکل می‌گیرد. توماس هابز در باب علل و ایجاد دولت می‌گوید: «هدف، غایت یا خواست نهایی آدمیان (که طبعاً دوستدار آزادی و سلطه بر دیگران‌اند) از ایجاد محدودیت بر خودشان (که همان زندگی کردن در درون دولت است) دوراندیشی درباره حفظ و حراست خویشتن و به تبع آن تأمین زندگی رضایت‌بخش‌تری است؛ یعنی اینکه هدف آن‌ها رهانیدن خویشتن از همان وضع

جنگی محنت باری است که پیامد ضروری امیال طبیعی آدمیان در زمانی است که قدرتی مشخص و مشهود وجود نداشته باشد تا ایشان را در حال ترس و بیم نگه دارد و به موجب ترس از مجازات، نسبت به اجرای پیمان‌های خویش و رعایت قوانین طبیعی ملزم و متعهد کند. زیرا قوانین طبیعی (همچون عدالت، انصاف، اعتدال، ترحم) به خودی خود و بدون وجود ترس از قدرتی که موجب رعایت آن‌ها گردد، مغایر با امیال طبیعی ماست که ما را به غرض‌ورزی، غرور و کینه‌جویی و غیره رهنمون می‌گردند و عهد و پیمان‌ها بدون پشتوانه شمشیر تنها حرف‌اند و به هیچ‌روی توان تأمین امنیت آدمی را ندارند (ها بز، ۱۳۸۷: ۱۸۹). پس هابز تنها راه را تأسیس یک قدرت عمومی می‌داند و معتقد است: «مردم، دولت‌ها را ایجاد کردند تا از آن‌ها در مقابل تهاجم خارجی‌ان و نیز صدمه به یکدیگر دفاع کنند و در نتیجه چنان امنیتی به وجود بیاورند که بتوانند با کوشش خود و بهره‌گیری از امکانات زمین، رشد پیدا کنند و رضایتمندان زندگی کنند». بنابراین به عقیده هابز، تنها دولت و قدرت است که می‌تواند محور اصلی تأمین نظم اجتماعی شود و در نتیجه امنیت اجتماعی انسان‌ها فقط از طریق دولت، قدرت واحد تأمین می‌شود (شرفی، ۱۳۸۴: ۱۷۶).

نظریه زنانه شدن فقر یا آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار

طرفداران این نظریه نشان می‌دهد که خانواده‌هایی که سرپرستی آنان بر عهده زنان است نه تنها در همه کشورهای جهان گسترش یافته‌اند بلکه به درصد خانوارهای سرپرست زن که جمعیت کم‌درآمد قرار می‌گیرند افزوده شده است این مسئله حتی در کشورهایی که پیشرفته‌ترین قوانین را به نفع زنان داشته‌اند (کشورهای فمینیسم و یا دارای سیاست‌های موافق فمینیستی) دیده شده است در این کشورها به‌رغم کمک‌های دولتی به این زنان فرایند فقیر شدن آنان همچنان ادامه دارد از طرفی مشکلات این زنان عدم دسترسی به مشاغل با منزلت اجتماعی بالا است این زنان یا بیکارند یا مشاغل نیمه‌وقت کم‌درآمد دارند اگر مشاغل دارای منزلت بالا باشد مسئله تنظیم وقت برای انجام کارخانه و کار بیرون از خانه است این مشکل را صاحب‌نظران فقر زمانی نامیده‌اند و فقر زمانی اگر با فقر مادی همراه شود آسیب‌پذیری این قشر را دوچندان می‌کند (گیدنز، ۱۹۸۹: ۶۵).

نظریه ساختی کارکردی

بر اساس این نظریه خانواده‌های زن سرپرست اساساً با شکل طبی و سنتی خانواده‌های دو والدی در تضاد و پیدایش این‌گونه خانواده‌ها نوعی انحراف محسوب می‌شود در این خانواده‌ها به علت غیبت پدر و مادر زندگی زوجی تا حدی کاهش می‌یابد عدم اقتدار پذیری پدر برای ساماندهی زندگی خانواده با بحران اقتصادی و اجتماعی روبرو می‌شود بحرانی که با ورود مادر به بازار کار به جای انجام وظیفه سنتی خانه‌داری شروع شده به وجود می‌آید. بر اساس این نظریه طبقه زیرین از افراد منزوی تشکیل شده که در محلات غیر سازمان‌یافته ساکن‌اند در این محلات حضور خانواده‌های زن سرپرست میزان بالای جنایت در این محلات، معاملات مواد مخدر، افت تحصیلی تولدهای نامشروع و دریافت کمک‌های دولتی شایع است.

پیشینه تحقیق

خادمیان در سال ۱۳۹۰ پژوهشی را تحت عنوان اثر سرمایه اجتماعی بر گرایش به جرم در زنان سرپرست خانوار انجام داده که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که نبود گروه‌های مدنی و دینی و پیوندهای خانوادگی و شبکه‌های اجتماعی غیر رسمی منجر به بالا رفتن جرائم در این زنان می‌شود (خادمیان، ۱۳۹۰).

آقایی و تیمورتاش در سال ۱۳۸۹ پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه و فرایند آسیب‌های اجتماعی و امنیت اجتماعی به این نتیجه رسیدند که آسیب‌های اجتماعی به معنی اختلال و ناهنجاری اجتماعی رابطه مستقیم و غیرمستقیم با ناامنی اجتماعی دارد. بدین معنا که به هر میزان آسیب اجتماعی در جامعه افزایش یابد، ترس، نگرانی، اضطراب هم افزایش می‌یابد؛ و این ترس و نگرانی مستقیماً بر روی افرادی که زیان‌دیده از آسیب اجتماعی هستند مشهود است و بر اطرافیان به شکل غیرمستقیم ظاهر می‌گردد (آقایی و تیمورتاش، ۱۳۸۹).

معید فر و حمیدی در سال ۱۳۸۶ در تحقیقی با عنوان نگفته‌ها و آسیب‌های اجتماعی به این نتیجه رسیدند آنچه موجب می‌شود سرپرستی این زنان به‌عنوان یک مسئله اجتماعی شناخته شود، مشکلات و موانعی است که در دنیای بیرون بر سر راه سرپرستی زنان به وجود آمده و باعث می‌شود تا زنان سرپرست خانوار به‌عنوان قشری آسیب‌پذیر شناخته شوند (معید فر و حمیدی، ۱۳۸۶).

لیتر و همکارانش در سال ۲۰۰۲ با اندازه‌گیری شاخص‌هایی مانند وضعیت تأمین مواد غذایی، امکانات آموزشی و... در آمریکا نشان می‌دهد که قانون جدید موجب فقیرتر شدن فرزندان خانواده‌های تک‌والدی شده که زنان (مادران) سرپرستی آنان را به عهده‌دارند. لذا با طرح‌های ادعایی در این زمینه خواستار بازنگری قانون و کمک بیشتر به این خانواده‌ها شد (لیتر، ۲۰۰۲).

لیروی در سال ۲۰۰۴ با بررسی مشکلات مادران خانواده‌های تک‌والدی چنین نتیجه می‌گیرد که مادران و فرزندان خردسال آنان بیش از سایر اقشار مستعد فرورفتن در دام فقر هستند بنابراین بیش از سایر اقشار نیاز دارند تا تحت حمایت‌های بیمه‌ای و خدمات تأمین اجتماعی باقی بمانند. بنابراین به نظر او بیرون ماندن چنین خانواده‌هایی از چتر حمایتی، مانند خریدن بلیت قطار سریع‌السیری برای سفر به اعماق فقر و مشکلات اقتصادی و اجتماعی است (لیروی، ۲۰۰۴).

روش تحقیق

مقاله حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان سرپرست خانوار شهر بوشهر است که جهت تعیین نمونه آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. جهت گردآوری داده‌های موردنیاز، از پرسشنامه‌ای محقق ساخته بهره گرفته‌اند... برای سنجش قابلیت اعتماد یا پایایی ابزار تحقیق از روش آلفای کرون باخ استفاده شده است. میزان آلفای کرون باخ اکثر شاخص‌ها تقریباً بالای ۷۵ درصد بوده که حاکی از مناسب بودن داده‌ها است.

یافته‌های توصیفی

جدول شماره ۱: توزیع فروانی و درصد متغیر احساس امنیت اجتماعی

احساس امنیت اجتماعی	درصد
پایین	۱۹/۷
متوسط	۵۴/۷
بالا	۲۵/۶
جمع	۱۰۰

داده‌های جدول فوق نشان‌دهنده این مطلب است که ۱۹/۷ درصد دارای احساس امنیت اجتماعی پایین و ۵۴/۷ درصد دارای پایگاه احساس امنیت اجتماعی متوسط و ۲۵/۶ درصد دارای احساس امنیت اجتماعی بالا هستند.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد احساس امنیت اجتماعی

ابعاد	احساس امنیت مالی	احساس امنیت جانی	احساس امنیت جمعی	احساس امنیت فکری
میانگین	3/2938	3/3589	2/4196	2/6992
انحراف معیار	0/91689	0/84992	0/85388	0/98769
واریانس	0/84069	0/72236	0/72912	0/97551

نتایج جدول ۲ نشان‌دهنده این مطلب است که؛ توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد امنیت اجتماعی (مالی، جانی، جمعی و فکری) است. همان‌گونه که مشاهده می‌کنید بیشترین نمره میانگین ۳/۳۵ مربوط به بعد امنیت جانی و کمترین نمره میانگین ۱/۲۴ مربوط به امنیت جمعی و احساس امنیت مالی با ۳/۲۹ و احساس امنیت فکری ۲/۶۹ بعد از احساس امنیت جانی در رتبه دوم و سوم قرار دارند. به عبارتی، زنان سرپرست خانوار شهر بوشهر بیشترین احساس امنیت را به لحاظ جانی و کمترین بعد آن را به لحاظ جمعی دارا هستند.

یافته‌های استنباطی

نتایج تحلیل دومتغیره تحقیق

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی بین تحصیلات و احساس امنیت اجتماعی

متغیر	احساس امنیت اجتماعی
ضریب همبستگی	-۰/۱۵۷
سطح معنی‌داری	۰/۰۳

نتایج به‌دست‌آمده حاکی از این مطلب است که بین تحصیلات و احساس امنیت اجتماعی همبستگی معکوس وجود دارد؛ یعنی به افزایش تحصیلات احساس امنیت در زنان سرپرست خانوار کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۴: آزمون همبستگی احساس امنیت اجتماعی

متغیر	احساس امنیت اجتماعی	فردگرایی	پایگاه اقتصادی اجتماعی	همبستگی اجتماعی
ضریب همبستگی	۰/۶۳	-۰/۰۳۱	۰/۱۴	۰/۳۲
سطح معنی‌داری	۰/۰۱	۰/۴۴	۰/۰۵	۰/۰۰۰

نتایج جدول ۴ نشان‌دهنده این مطلب است که بالاترین میزان همبستگی مربوط به احساس امنیت اجتماعی (۰/۶۳) است. با توجه به اینکه رابطه مثبت است نشان‌دهنده این مطلب است که هرچه میزان همبستگی اجتماعی بیشتر باشد، احساس امنیت اجتماعی نیز بالاتر خواهد رفت. کمترین میزان همبستگی نیز مربوط به متغیر فردگرایی (-۰/۰۳۱) است؛ رابطه منفی

این متغیر بیان‌کننده رابطه‌ای معکوس با امنیت اجتماعی است. یعنی هرچه فردگرایی کمتر باشد، احساس امنیت بالاتر خواهد رفت یا به عبارتی دیگر با افزایش میزان فردگرایی، میزان احساس امنیت اجتماعی کاهش خواهد یافت.

جدول شماره ۵: آزمون ضریب همبستگی پیرسون جهت رابطه بین سن و احساس امنیت اجتماعی

ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	سطح اطمینان
-۰/۱۸۷	۰/۰۲۷	۰/۰۵

نتایج جدول ۵ نشان‌دهنده این مطلب است که ضریب همبستگی به‌دست‌آمده دو متغیر (سن و احساس امنیت اجتماعی) برابر $-۰/۱۸۷$ و سطح معناداری $۰/۰۲۷$ و با در نظر گرفتن پنج درصد خطا، معنادار است؛ بنابراین می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه ضعیف و از نوع معکوس وجود دارد.

جدول شماره ۶: ضریب همبستگی پیرسون: تعلق خاطر و وابستگی زنان سرپرست خانوار به خانواده و احساس امنیت اجتماعی

ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	سطح اطمینان
۰/۳۸	۰/۰۳	۰/۰۵

نتایج به‌دست‌آمده حاکی از این مطلب است که ضریب همبستگی به‌دست‌آمده دو متغیر (تعلق خاطر و وابستگی زنان سرپرست خانوار به خانواده و احساس امنیت اجتماعی) برابر $۰/۳۸$ و سطح معناداری $۰/۰۳$ و با در نظر گرفتن پنج درصد خطا، رابطه معنادار است؛ بنابراین بین دو متغیر رابطه نسبتاً قوی و مستقیم وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان تعلق خاطر، میزان احساس امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۷: ضریب همبستگی پیرسون میزان تعهد زنان سرپرست خانوار نسبت به فعالیت‌های روزمره و میزان امنیت اجتماعی

ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	سطح اطمینان
۰/۰۵۴	۰/۰۲	۰/۰۵

نتایج جدول ۷ نشان‌دهنده این مطلبی باشد که ضریب همبستگی به‌دست‌آمده دو متغیر (میزان تعهد زنان سرپرست خانوار نسبت به فعالیت‌های روزمره و میزان امنیت اجتماعی) برابر $۰/۰۵۴$ و سطح معناداری $۰/۰۲$ و با در نظر گرفتن پنج درصد خطا، بین این دو متغیر رابطه معنادار نیست. به‌عبارت‌دیگر بین میزان تعهد جوانان نسبت به فعالیت‌های روزمره در میزان احساس امنیت اجتماعی تأثیری نسبتاً قوی و مستقیم وجود دارد.

جدول شماره ۸: ضریب همبستگی پیرسون میزان مشارکت و مشغولیت زنان سرپرست خانوار در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و میزان امنیت اجتماعی

ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	سطح اطمینان
۰/۴۶	۰/۰۲	۰/۰۵

نتایج جدول ۸ نشان‌دهنده این مطلبی باشد که ضریب همبستگی به‌دست‌آمده دو متغیر (میزان مشارکت و مشغولیت زنان سرپرست خانوار در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و میزان احساس امنیت اجتماعی) برابر $۰/۰۴۶$ و سطح معناداری $۰/۰۲$ و با در نظر گرفتن پنج درصد خطا، بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد؛ که نشان‌دهنده رابطه نسبتاً قوی و بین این دو

متغیر است؛ یعنی با افزایش میزان مشارکت و مشغولیت در فعالیت‌های اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد و بالعکس.

نتیجه‌گیری

در تمام دوران حیات بشری به پهنه هستی، احساس امنیت اجتماعی از عناصر اصلی نیازهای انسانی محسوب شده و در دوران مدرن اهمیت آن، تاندازه‌ای افزایش یافته است که به تعبیر برخی از صاحب‌نظران کار ویژه و بی‌بدیل حکومت‌ها در جامعه مدرن امروزی، استقرار و تقویت احساس امنیت اجتماعی در فضای وسیع کلمه است. ندا شتن ترس و بیم در زندگی و وجود امنیت جانی و مالی، آبرو و حیثیت اجتماعی، حفاظت از آزادی و حقوق مشروع فردی و اجتماعی، بالاخره ایجاد رضایت‌مندی عمومی و در یک کلام فقدان تهدید از چنان جایگاهی برخوردار است که خداوند آدمیان را در پرتو آن به ذکر و عبادت خود فرامی‌خواند. بی‌تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه، تکامل جامعه و شکوفایی استعدادها، مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست و توسعه، خلاقیت و تحرک اجتماعی اثربخش، بدون امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود. امنیت اجتماعی یکی از ضروری‌ترین نیازهای فرد، گروه و جامعه است و ادامه‌ی حیات و بقای جوامع بدون آن مشکل و غیرممکن خواهد بود (آزر، ۱۳۷۹؛ ۲۷۹). از طرفی زنان سرپرست خانوار به‌عنوان پایه و اساس نهاد خانواده در سراسر جهان به هنگام از دست دادن همسرانشان یا بیماری و یا بیکاری آنان سرپرستی و اداره خانواده را بر عهده می‌گیرند. بدین لحاظ با مشکلات و موانع عدیده اقتصادی و اجتماعی و قانونی روبرو می‌گردند. آن‌ها به‌ناچار مسئول انجام کارهای اداری و امور آموزشی و درمانی می‌باشند لذا فضاهای صرفاً مردانه احساس امنیت را از آن‌ها سلب می‌کند چراکه به دلیل نگرش سنتی و منفی که جامعه به آنان دارند روابط و ارتباطات اجتماعی کمتری دارند. آنان نسبت به زنان دارای همسر احساس خطر بیشتری به امنیت ارتباطی خود دارند. توانمندسازی زنان سبب بالا رفتن اعتماد به نفس و کسب یک هویت مستقل موجب بهبود وضعیت اجتماعی آنان می‌شود. با آموزش مهارت‌های زندگی، حرفه‌ای، کارآفرینی، اشتغال‌خانی به آنان یا فرزندان‌شان و مشارکت دائم آنان در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، بخشی از امنیت اجتماعی آنان تأمین می‌شود. در بسیاری از تحقیقات در خصوص بررسی آسیب‌های روانی و اجتماعی حاکی از آن بوده که بدون ایجاد بستر فرهنگی و اجتماعی مناسب در جامعه هیچ‌گاه ما شاهد جامعه‌ای سالم و متعالی نخواهیم بود. اگرچه در جامعه ایران دولت تسهیلاتی را فراهم نموده اما با توجه به گستره مشکلات، پایین بودن نرخ پرداخت‌های دولتی به این زنان و تورم بالا نمی‌تواند پاسخگوی مشکلات این قشر در معرض آسیب باشد. برای حل یا تخفیف مسئله باید تدابیر جدی‌تری به کار گرفته شود و چنین تدابیری در صورتی مفید خواهد بود که مبتنی بر مطالعات عمیق جامعه‌شناختی و پی بردن به لایه‌های زیرین این مسئله مهم اجتماعی باشد. مطالعاتی که علاوه بر پرداختن به کمیت، از توجه به کیفیت زندگی این زنان غافل‌نماند و با نگاهی ژرف‌تر از پیمایش صرف به مسائل زنان سرپرست خانوار نظر کنند. نتایجی که از آزمون فرضیات تحقیق حاصل شد نشان می‌دهد متغیرهای درگیری و مشارکت در نقش‌های و فعالیت‌های اجتماعی و تعلق خاطر به خانواده و دیگر نهادهای اجتماعی و میزان تعهد اجتماعی، در میزان احساس امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار مؤثر هستند. لذا می‌توان نتیجه گرفت، بر اساس نظریات هیرشی که معتقد بود افراد در زندگی زمان و انرژی محدود دارند و درگیری در امور روزمره وقت زیادی نیاز دارد از طرفی باعث محدود شدن رفتار و کاهش جرم در سطح جامعه و به‌نوبه خود باعث افزایش احساس امنیت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار می‌شود. یکی از سیاست‌های اصلی دولت باید فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال (بنگاه‌های زودبازده) برای زنان سرپرست خانوار است. وابستگی و تعلق خاطر زنان سرپرست خانوار به خانواده، دوستان و دیگر نهادهای اجتماعی نیز در افزایش احساس امنیت اجتماعی مؤثر است. هیروشی در این زمینه معتقد است: کاهش وابستگی و تعلق خاطر فرد نسبت به خانواده و جامعه موجبات ارتکاب به جرم را در فرد افزایش می‌دهد و موجب کاهش احساس امنیت اجتماعی در بین افراد می‌شود.

منابع و ماخذ:

منابع فارسی :

- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۶)، امنیت و ابعاد آن در قرآن، فصلنامه‌ی مطالعات اسلامی، شماره ۷۵، ص ۳۹-۱۱.
- آرون، ریمون (۱۳۸۲)، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ ششم.
- آزر، ادوار واین مون چونگ (۱۳۷۹) امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه: ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بودون، ریمون و بوریکو، فرانسوا (۱۳۸۵)، فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی، ترجمه: عبدالحسین نیک گوهر، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- ترابی، یوسف؛ گودرزی، آیت (۱۳۸۳)، ارزش‌ها و امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، شماره دوم، ۳۱-۴۶.
- خادمیان، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، «بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر گرایش به جرم زنان سرپرست خانواده»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۲)، آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)، چاپ دهم، تهران: آوای نور
- شرفی، ابوالفضل (۱۳۸۴)، جمعیت و امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، شماره ۳، تهران: آشنایی.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۲)، «بهنجار نظم و نابهنجار رفتار»، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱، صص: ۵۳-۳۸.
- صدیقی اورعی، غلامرضا (۱۳۷۶)، تأثیر ساختاری بر پدیده امنیت یا ناامنی اجتماعی، مجموعه مقالات ارائه‌شده در همایش توسعه و امنیت عمومی (۷-۵) اسفند (۱۳۷۵)، تهران: وزارت کشور، جلد اول، صص: ۱۴۲-۱۳۱.
- مجله انجمن جامعه‌شناسی، دوره ۴، شماره ۲.
- مشکاتی، م و سادات مشکاتی، ز (۱۳۸۱)، «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان».
- نوروزی، نادر (۱۳۸۴) سیاست جنائی در جرائم خرد و تأثیر آن بر احساس امنیت شهروندان «با تکیه بر نظریه پنجره شکسته»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ورسلی، پیتر (۱۳۷۸)، نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه: سعید معیدفر، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول.
- هابز، توماس (۱۳۸۷)، لویاتان، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- همتیان، علی‌اصغر (۱۳۹۲). امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن، انتشارات بوستان کتاب.

- Angermeyer MC, Kilian R, Wilms HU, Wittmund B. (2006). Quality of life of spouses of mentally ill people. *Int J Soc Psychiatry*. 52(3):278-85. 11-
- Ingram RE, Miranda J, Segal ZV. *Cognitive vulnerability to depression*. New York: Guilford Press; 1998
- Herbst, Chris. (2010). "Footloose and Fancy Free? Two Decades of Single Mothers' Subjective Well-Being. Working Paper.
- Ingram, RE, Miranda, J, Segal ZV. (1998). *Cognitive vulnerability to depression*. New York: Guilford Press.
- Le Roy, Sylvia(2004)welfare and poverty: family matters',Fraser forum,New Zeland.-
- ly ter, Taik-Oh and Sills, Melissa and Denna, Gi(2002) "Children in Single – parent Families Living in poverty: have Fewer Supports After Welfare Reform ,IWPR publication.
- Meyer, Bruce D. and Sullivan, James Xavier. (2010). Further Results On Measuring the Well-Being of the Poor Using Income and Consumption. The Harris School of Public Policy Studies Working Paper 07.19.